

تحلیل جایگاه آموزه‌های مهدوی در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی

* حسن نجفی
** علی نقی فقیهی
*** سمیه دریسای

چکیده

از اهداف مهم آموزه‌های رسول اکرم ﷺ و ائمه هدی  فرهنگ‌سازی دینی و ساخت تمدن اسلامی است. در این میان، آموزه‌های آن بزرگان که در مهدویت، زمینه انتظار ظهور منجی و تشکیل حکومت جهانی است، از اهمیت خاصی برخوردار است. این مقاله درصدد بررسی دیدگاه معصومان  در این آموزه‌ها و تأثیر آنها در احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی است. روش انجام پژوهش، توصیفی - تحلیلی بوده و برای دست‌یابی به اهداف پژوهش، داده‌های لازم از متون حدیثی موجود و مرتبط با موضوع پژوهش با استفاده از فرم‌های فیش‌برداری گردآوری شده و با شیوه کیفی مورد تحلیل قرار گرفته است. نتایج پژوهش بیانگر آن است که عواملی مانند: رشد نسبی عقلی، پیشرفت علمی، تعالی اخلاقی، تدابیر بهینه سیاسی، توسعه اقتصادی، برقراری عدالت و فراهم‌سازی زمینه‌های امنیت از ویژگی‌های جامعه متمدن اسلامی است که در آموزه‌های مهدوی مطرح شده‌اند.

کلیدواژه‌ها

آموزه‌های مهدوی، فرهنگ، تمدن نوین اسلامی، عصر غیبت.

* دکتری مطالعات برنامه درسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه علامه طباطبائی hnajafih@yahoo.com
** دانشیار گروه علوم تربیتی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه قم an-faghihi@qom.ac.ir
*** کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه قم derisavi@yahoo.com

مقدمه

در اندیشه اسلامی، تمدن‌سازی با فعلیت یافتن توان‌مندی‌های اصیل و تحقق اهداف متعالی انسان است و به تعبیر شهید صدر، پیشرفت و تمدن انسان در عرصه‌های فردی و اجتماعی، عینیت یافتن ظرفیت‌ها، استعدادها و ویژگی‌هایی است که جوهر و غایت اصیل انسانی را تعیین می‌بخشد (ثابت و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۰۵) و خلافت عمومی انسان از خدا تحقق می‌یابد و آدمیان تجلی اسماء و صفات الهی گردند و تمام نیروهای ظاهر و پنهان بالقوه را به فعلیت درآورده و ارزش‌های متعالی چون پیشرفت علمی، ارتقای توانمندی‌ها، عدالت و مانند آن، مسیر پیشرفت و تعالی خویش به سوی بی‌نهایت کمال هموار می‌سازد (صدر، ۱۴۲۴ق: ۱۲۷).

عرصه‌های تمدن نوین اسلامی در آموزه‌های مهدوی بر اساس روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، دیگر انسان‌ها و طبیعت شکل گرفته است. تعالی بخشی به معرفت و ایمان به خداوند و باور به نقش فاعلی و تأثیر وی بر روند روابط شخص با خود، دیگر انسان‌ها و طبیعت و تخلق به اخلاق خداوند مانند: علم، قدرت، عدالت، رحمت و... رهایی از بُت‌های درونی و بیرونی، زمینه‌ساز تمدن بشری بر پایه رویکرد اسلامی است (همو، ۱۳۸۱: ۲۰۴). در این بستر، شناخت قوانین هستی و ارتقای توان‌مندی انسان‌ها در برآوردن نیازها با استفاده از طبیعت و پیشرفت در عرصه مناسبات اجتماعی و حاکمیت بخشی به ارزش‌های اخلاقی در روابط انسان‌ها با یکدیگر، نقش مهمی را ایفا می‌کند (همو، ۱۴۰۳ق: ۷۰۷).

با توجه به مطالب فوق، در پژوهش توصیفی - تحلیلی حاضر، علاوه بر مفهوم‌شناسی درباره آموزه‌های مهدوی، فرهنگ، فرهنگ اسلامی، تمدن و تمدن نوین اسلامی، درصد پاسخ‌گویی به این سؤال هستیم که با توجه به رویکرد کلی آموزه‌های مهدوی، شاخصه‌های جامعه متمدن نوین اسلامی چیست؟

مفهوم‌شناسی

الف) آموزه‌های مهدوی

منظور از آموزه‌های مهدوی، مجموعه آموزش‌های اولیای معصوم علیهم‌السلام است که در حوزه مهدویت، در روایات، توقیعات و ادعیه به صورت موردی، جزئی و گزاره‌ای مطرح

شده‌اند، و از معارفی منسجم و نظام‌مند و رویکرد مهدوی اولیای دین و اصول راهبردی تمدن مهدوی، به خوبی، حکایت دارند (پورسیدآقایی، ۱۳۸۶: ۶).

ب) فرهنگ

برای فرهنگ، تعاریف گوناگون ارائه شده است. به نظر می‌رسد، تعریف جامع فرهنگ عبارت است از: مجموعه عقاید، سنت‌ها، آداب و رسوم و ارزش‌ها که دارای ویژگی‌های زیر باشد: ۱. فراگیر و مورد پذیرش عامه مردم باشد؛ ۲. برای پذیرش و قبول آن، به استدلال و مجادله علمی و چون و چرا نیازی نباشد؛ ۳. محو و ایجاد آن، نیازمند گذر زمان باشد؛ ۴. در یک زمان و مکان و شرایط خاص ایجاد و حادث نشده باشد؛ ۵. در بستر زایش و ایجاد، دارای علل و عوامل مختلف، گاهی متضاد باشد؛ ۶. در بین دارندگان و قائلان به آن، نوعی همدلی، هم‌رنگی و الفت ایجاد کند (عیوضی، ۱۳۸۶: ۲۱).

پ) فرهنگ اسلامی

بهترین تعریف از فرهنگ اسلامی عبارت است از: «مجموع عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها، روش و شیوه‌های عمل متخذ از قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام». این مجموعه، معیار ارزیابی فرهنگ هر یک از جوامع اسلامی است. فرهنگ هر یک از افراد و جوامعی که دین رسمی آن‌ها اسلام است، در صورتی اسلامی قلمداد می‌شود که همواره عناصر مذکور در این تعریف بر تمام روابط چهارگانه ایشان با خدا، خود، طبیعت و جامعه حاکم باشد (بصراوی، ۱۳۹۴: ۱۳).

بنابراین تعریف، مجموع آثار مثبت مادی و غیرمادی جوامع اسلامی که افراد آن عقاید، باورها، ارزش‌ها، آداب و رسوم، الگوها و شیوه‌های عمل خود را از قرآن کریم و سنت معصومین علیهم‌السلام اخذ نموده باشند و در پیروی از آن، هیچ‌گونه کوتاهی عمدی به عمل نیاورند؛ نیز، فرهنگ اسلامی نامیده می‌شود.

ت) تمدن

تمدن، به معنای شهرنشینی (دهخدا، ۱۳۷۹، ج ۴: ۶۱۰۹)، وجود قوانین مکتوب و سنت‌های

نوشته شده و مدیریت شهری، مجموعه‌ای پیچیده از پدیده‌های اجتماعی قابل انتقال، شامل جهات دینی و مذهبی، اخلاقی، زیباشناختی، فنی یا علمی مشترک در همه اجزای یک جامعه وسیع و یا چندین جامعه مرتبط با یکدیگر (باتومور؛ آتوبت، بی تا: ۴۷)، وجود آثار هنری و باستانی، برقراری روابط خارجی و حُسن جریان امور داخلی کشور (محمدی، ۱۳۷۳: ۴۷) حالت ترقی و علوم و فنون ملت‌ها (حجازی، ۱۳۸۳: ۱۹) مطرح شده است. همچنین تمدن، نظامی اجتماعی دانسته شده که در نتیجه وجود آن، خلاقیت فرهنگی امکان‌پذیر می‌شود و جریان پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱: ۵) و یا بر «مجموعه دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک منطقه، کشور یا عصر معین، یا حالات پیشرفته و سازمان‌یافته فکری و فرهنگی هر جامعه که نشان آن، پیشرفت در علم، هنر، ظهور نهادهای اجتماعی و سیاسی است» (انوری، ۱۳۸۳: ۳۳۷) اطلاق شده است. تمدن در اجتماعی شدن انسان معنی پیدا می‌کند (دورانت، ۱۳۶۷، ج ۱: ۵) و بالاترین گروه‌بندی فرهنگ و گسترده‌ترین سطح هویت فرهنگی به‌شمار می‌آید (هانتینگتون، ۱۳۷۴: ۴۷).

ث) رابطه فرهنگ و تمدن

برخی برای فرهنگ هویتی مستقل از تمدن قائلند. بسیاری از جوامع وجود دارد که فرهنگ در آن‌ها به پایین‌ترین درجه انحطاط پیدا کرده است با این که متمدن خوانده می‌شوند و در مقابل جوامع در عرصه‌اند که از فرهنگ غنی برخوردارند که به مرحله تمدن نرسیده‌اند. بنابراین، همان‌گونه که متمدن بی فرهنگ وجود دارد، فرهنگ بی تمدن نیز وجود دارد (آقاجانی، ۱۳۸۱: ۲۸) پس می‌توان گفت: هیچ تمدنی بدون پشتوانه فرهنگی امکان رشد نمی‌یابد و هر تمدنی در پرتو فرهنگی، سر از خاک برداشته و رشد کرده اما این چنین نیست که هر فرهنگی به جایگاه تمدن برسد و شاید به همین دلیل باشد که دانشمندان آنگلو ساکسون، اصلاً، مفاهیم فرهنگ و تمدن را در برابر هم قرار داده‌اند. آنان، مجموع عناصر مادی، آثار فنی و اشکال و صور سازمان اجتماعی را که امکان بروز تجلی یک جامعه را فراهم می‌سازند، تمدن می‌خوانند. در این نگاه، فرهنگ عبارت است از: مجموع جلوه‌های معنوی آفرینش‌های ادبی، هنری و ایدئولوژی‌های چیره‌ای که تشکیل‌دهنده واقعیتی نو و ویژه از مردمی در یک دوران می‌باشد (بیرو، ترجمه ساروخانی، ۱۳۸۰: ۷۱). برخی

هم، تا زمانی که تمدنی در عرصه و پُرتکاپو باشد، از آن با عنوان فرهنگ یاد می‌کنند و زمانی که به حالت ایستا درآمد، آثار و جنبه‌های مادی آن را با عنوان تمدن یاد می‌کنند. از این‌رو، آنان در مقایسه تمدن‌ها با یکدیگر و بیان بزرگی هر یک، هم، بخش اندیشه و علوم آن‌ها را مورد ارزیابی قرار می‌دهند و هم، بخشی را که جنبه تاریخی دارد و پیشرفت‌هایی که در آثار به جای مانده از تمدن‌ها تبلور یافته است (شیخی، ۱۳۹۳: ۲۷).

برخی مانند استاد مطهری، ضمن توجه به نایکسانی و فرق بین تمدن و فرهنگ، معتقدند: اختراعات مربوط به تمدن و معنویات، برخاسته از فرهنگ است. همچنین، تاکید دارد بر این‌که، بشر بدون اخلاق و معنویت هرگز در کارهای دیگر خود موفق نخواهد بود. یک بشر منحط از نظر اخلاق، هرگز در قسمت‌های دیگر هم نمی‌تواند موفق باشد. این است که جنبه‌های معنوی بر تمدن انسانی نیز بدون شک مؤثر بوده‌اند و فوق‌العاده هم مؤثر بوده‌اند و نمی‌توان تاثیر آن‌ها را نادیده انگاشت (مطهری، ۱۳۸۹، ج ۱: ۳۲). بنا بر نظر شهید مطهری: «تمدن بدون فرهنگ پویا، نه پا می‌گیرد و نه می‌پوید. تمدن، بدون مبنا و زمینه قبلی پدید نخواهد آمد. مبنای تمدن، فرهنگ است. این فرهنگ است که جامعه را به جلو می‌برد، بالا می‌برد و به مرحله‌ای می‌رساند که با یک رخداد، با یک جرعه و یا یک تکان شدید، تمدنی از دل خاک سر بر می‌آورد. پس از پدید آمدن تمدن، فرهنگ و تمدن در دادوستد با یکدیگر پیش می‌روند و چنانچه تمدنی، فرهنگ پویای خود را که سبب پدیداری تمدن بوده، از دست بدهد، به‌مرور از پیشروی و شکوفایی باز می‌ایستد و رو به افول می‌رود و روح آن که همان فرهنگ باشد از کالبد خارج می‌شود و به سرزمین‌های فرهنگ‌پرور، بال می‌گشاید و یا تمدن پدید می‌آورد و یا تمدن‌های نوپا را به اوج می‌رساند. پس از این دگرگونی، از تمدن گذشته فقط نامی می‌ماند. آثار علمی آن در کتاب‌ها و آثار تاریخی آن در بناها بازتاب می‌یابد» (همان: ۴۵).

ج) تمدن اسلامی

تمدن اسلامی: به تمدن ملت‌های اسلامی گفته شده است که شامل تمدن‌های ملت‌های عرب، ایرانیان، ترک‌ها و دیگران است (جمعی از مؤلفان، ۱۳۷۳: ۱۹۱) و به‌وسیله دین اسلام و زبان علمی و ادبی عربی با یکدیگر متحد شدند (تولد، ۱۳۳۷: ۷). هنرهای ایرانی و رومی و

سایر جوامع با این تمدن عجین شده است (تاج‌بخش، ۱۳۸۱: ۹۹).

تمدن اسلامی نسبت به تمدن‌های پیشین، موضع ویژه‌ای را اتخاذ نمود؛ بدین صورت که نه در مقابل آن‌ها، صف‌آرایی نمود و نه در برابر آن‌ها، منفعل شد بلکه دستاوردهای مثبت آن‌ها را گرفته و در خود هضم نموده و جهات منفی را هم نپذیرفته است؛ به عبارت دیگر، «تمدن اسلامی، نه تقلیدکننده صرف از فرهنگ‌های سابق بوده و نه ادامه‌دهنده محض، بلکه ترکیب‌کننده بوده و تکمیل‌سازنده داشته است» (زرین‌کوب، ۱۳۶۲: ۲۱). تمدن اسلامی با محوریت قرآن، دیدگاهی جهانی و فراملیتی داشته و هیچ‌گاه خود را منحصر در یک قوم و نژاد ننموده است، لذا در حوزه وسیع دنیای اسلام، اقوام مختلف عرب ایرانی، ترک، هندی، چینی، مغولی، آفریقایی و حتی اقوام ذمی به هم آمیختند، به نظر می‌رسد.

این تمدن، گرچه براساس برخی از ایده‌های اسلامی بنیان نهاده شده بود ولی ضعف‌های بنیادی فراوانی چون: تبدیل امامت معصوم به حکومت جور و دورماندن حاکمیت‌ها از هدایت‌های معصومین علیهم‌السلام، و اولی‌الامر خواندن هر کسی ولو به زور حاکم شود و هر ظلمی را بر افراد جامعه روا دارد، روحیه استبدادی حاکم بر شاهان، مخالفت با آزاداندیشی‌ها، اشاعه فکر جبرگرایی، خودباختگی و غرب‌زدگی روشنفکران داشته است و لذا با اینکه در قرون ۴ و ۵ و ۶ هجری اوج داشته است ولی نتوانسته در برابر هجوم اقوام وحشی مثل مغول، جنگ‌های غرب علیه مسلمانان در قرون وسطی و تحمیل فرهنگ‌های بیگانه دوام بیاورد.

ج) تمدن نوین اسلامی

تمدن نوین اسلامی، نه احیای همان تمدن مسلمانان است و نه بازسازی آن تمدن؛ بلکه تمدنی است مبتنی بر افکار، باورها و فرهنگ اسلامی که از ساختار علمی و منطقی برخوردار است. روابط بین فردی، ملی و بین‌المللی آن، بر نظم، قانون و اخلاق متکی بر فطرت خدادادی متکی است. برآوردن نیازها و بهره‌مندی از طبیعت و جهان هستی مبتنی بر کوشش مستمر برای پرورش استعدادها و ارتقای توانمندی‌هایش در شناخت واقع‌بینانه از

نظام هستی است و برای اهداف سعادت‌مندانه و رشد و تکامل همه‌جانبه به‌صورت پیوسته در تکاپو و تلاش است. بنابراین باید تمدن نوین اسلامی را ساخت.

تمدن نوین اسلامی همانند تمدن غرب امروزی نیست که فقط جنبه ابزاری و سخت‌افزاری دارد و نتوانسته نیازهای حقیقی انسان از جمله: سعادت، امنیت و آرامش روانی و هدف‌مندی زندگی را برای جامعه غرب به همراه آورد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

در تمدن نوین اسلامی همه نیازهای مادی و معنوی آدمی برآورده می‌سازد و روابط چهارگانه انسان را با خود، خدا، جامعه و هستی را در برمی‌گیرد و زمینه زندگی سعادت‌مندانه را در دنیا و آخرت تأمین می‌کند.

تمدن غرب، بر اومانیسم استوار است ولی تمدن نوین اسلامی بر خداگرایی استوار است. تمدن غرب، به نیازهای مادی می‌پردازد و از برآوردن نیازهای معنوی بی‌بهره است. ولی محور اساسی تمدن نوین اسلامی، معنویت است.

برای ایجاد تمدن نوین اسلامی، پیشرفت همه‌جانبه علم و صنعت، رشد سلامت، تعالی معنوی، رفاه معیشتی، حکومت عقلانی و حاکمیت ارزش‌های اخلاق در جامعه لازم است. این پیشرفت همه‌جانبه، باید در متن زندگی جامعه نمود پیدا کند و سبک زندگی را در حوزه‌های مختلف خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی و... را در حد عالی آن بسازد.

جهان وطنی، نبود تعصبات جاهلانه و همزیستی اقوام و نژادها و کشورها نیز از نمودهای تمدن نوین اسلامی است.

در تمدن‌سازی نوین اسلامی، عزت و کرامت انسان در کنار برخورداری از دستاوردهای علمی و تکنولوژیکی احیا می‌شود و پیشرفت همه‌جانبه و حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی تحقق می‌یابد (همان).

در تمدن نوین اسلامی، نه تنها بعد مادی و سخت‌افزاری تمدن غرب را نفی نمی‌کند بلکه به آن جهت داده و آن را از آفاتی که بشر دچار آن شده است مانند: پوچ‌گرایی، عدم احساس امنیت، نابرابری و فقدان معنی در زندگی، نجات خواهد داد.

رویکرد آموزه‌های مهدوی و تمدن نوین اسلامی

رویکرد اولیای دین در آموزه مهدویت، تبیین شاخصه‌های فرهنگ و تمدن نوین اسلامی و زمینه‌سازی تربیتی در افراد، برای تحقق آن‌ها در جامعه است. از این‌روست که در روایات معصومان علیهم‌السلام، انسان‌ها برای فراهم‌سازی زمینه ظهور نجات‌بخش بشر و ساخت تمدن اسلامی، موظفند و باید با هم، همکاری کنند^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۳: ۷). با عمل به وظیفه و همکاری مؤمنان است که دین خدا غالب می‌شود و بدعت‌ها و باطل‌ها از میان می‌روند^۲ (قمی، ۱۳۶۷، ج ۲: ۸۷). انجام مسئولیت‌ها بر اساس رهنمودهای امام علیه‌السلام اختلافات مسلمانان و دشمنی‌ها و فتنه‌های برپاشده تمام می‌شود و الفت و مهربانی در جامعه اسلامی مستقر می‌گردد^۳ (ابن‌طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۷۷).

در ادامه ویژگی‌های احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی که در آموزه‌های مهدوی به آن پرداخته است، تبیین می‌شود.

ویژگی‌های جامعه متمدن اسلامی در آموزه‌های مهدوی

در آموزه‌های اولیای دین در زمینه مهدویت، برای ساخت جامعه اسلامی نوین و متمدن، بر تلاش برای تحقق ویژگی‌های زیر تأکید شده است:

۱. رشد عقلی

در آموزه‌های مهدوی فراهم‌سازی رشد نسبی عقلی مردم، از ویژگی‌های جامعه امام‌زمانی و متمدن اسلامی است. در انسان‌شناختی مبتنی بر آیات و روایات اسلامی عقل، محدود به عقل ابزاری یا عقل معاش نیست، بلکه سطوح برتر آن؛ یعنی عقل نظری و عقل

۱. «يَقِفُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ، فَيَصْرُخُ صَرْخَهُ فَيَقُولُ: يَا مَعَاشِرَ نَقَبَائِي، وَ أَهْلَ خَاصَّتِي وَ مَنْ الدَّخَرَهُمُ اللَّهُ لِنَصْرَتِي قَبْلَ ظُهُورِي عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ: إِثْنُونِي طَائِعِينَ! فَتَرُدُّ صَبِيحَتَهُ عَلَيْهِمْ وَ هُمْ فِي مُحَارِبِهِمْ وَ عَلَيَّ فُرُشِهِمْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ مَغْرِبِهَا، فَيَسْمَعُونَ فِي صَبِيحِهِ وَاجِدَهُ فِي أُذُنِ كُلِّ رَجُلٍ، فَيَجِئُونَ نَحْوَهَا».

۲. امام باقر علیه‌السلام: «والمهدي وأصحابه يملكهم الله مشارق الأرض ومغاربها، ويظهر الدين ويميت الله به وأصحابه البدع والباطل».

۳. «بل منا، بنا يختم الدين كما بنا يفتح، وبنا يستقذون من ضلاله الفتنه كما استنقذوا من ضلاله الشرك، وبنا يؤلف الله بين قلوبهم في الدين بعد عداوه الفتنه، كما ألف الله بين قلوبهم ودينهم بعد عداوه الشرك».

عملی را نیز شامل است و همین سطح عقل است که بشر را به پیروی از وحی به‌عنوان مهم‌ترین و موثق‌ترین منبع معرفتی نشانده است. این نگاه متفاوت از اندیشه غربی به عقل، آثار و تبعات زیادی در ساخت تمدن اسلامی دارد و آنرا کاملاً از تمدن کنونی غرب جدا می‌کند (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶).

در روایات اسلامی، عقل، مهم‌ترین و محبوب‌ترین مخلوق الهی است که رشد ادراکاتش، درست را از نادرست تشخیص می‌دهد و مسیر سعادت را برای آدمی هموار می‌سازد^۱ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۰). و از این‌رو، بزرگ‌ترین سرمایه بشر^۲ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱: ۱۷) و هدایت‌گر مؤمنان^۳ خوانده شده (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۵)؛ زیرا عقل، ارزش‌ها را به‌خوبی شناسایی می‌کند، گمراهی را از رستگاری تشخیص داده^۴ (رضی، ۱۴۱۴ق: حکمت ۴۲۱) و آدمی را به کارهای پسندیده سوق می‌دهد و از کارهای ناپسند باز می‌دارد^۵ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۶۷).

اسلام به پرورش عقل، اهمیت فراوان داده است. از این‌رو، قرآن بر استفاده از عقل تأکید کرده و مردم را موظف به تفکر می‌کند^۶ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۶؛ حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵: ۲۰۷) تا خلاقیت پیدا کنند و فرآیند آفرینندگی را بپیمایند و زمینه ذهنی را برای تحقق عینی و عملی نوآوری‌ها در مراحل متعالی زندگی فراهم سازند. همچنین با تربیت عقل، موانع تفکر عقلانی را از سر راه خویش بردارند؛ زیرا عقل به‌دلیل محدودیت ادراک، دخالت عوامل عارضی، آموزش‌های غلط، تأثیرپذیری از شرایط و موقعیت‌های روانی و محیطی، احتمال خطا در ادراک دارد و چه‌بسا حجیتش را از دست می‌دهد^۷ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۴۷۲). از این‌رو، لازم است درستی درک عقل را با معیارهایی چون: هماهنگی مُدرک با بدیهیات عقلی چه در بعد نظری و چه در بعد عملی، هماهنگی با بقیه امیال و خواسته‌های

۱. «عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ الْعَقْلَ اسْتَنْطَقَهُ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَقْبِلْ فَأَقْبَلَ ثُمَّ قَالَ لَهُ أَدْبِرْ فَأَدْبَرَ ثُمَّ قَالَ وَ عَجَّرْتِي وَ جَلَّالِي مَا خَلَقْتُ خَلْقًا هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْكَ وَ لَا أَكْمَلْتُكَ إِلَّا فِيمَنْ أَحَبُّ أَمَّا إِنِّي إِيَّاكَ أَمُرُ وَ إِيَّاكَ أَنْهِي وَ إِيَّاكَ أَعَاقِبُ وَ إِيَّاكَ أُثِيبُ.»

۲. «يَا عَلِيُّ إِنَّهُ لَا فُقْرَ أَشَدَّ مِنَ الْجَهْلِ وَ لَا مَالَ أَعْوَدُ مِنَ الْعَقْلِ.»

۳. «الْعَقْلُ دَلِيلُ الْمُؤْمِنِ.»

۴. «كَمَاكَ مِنْ عَقْلِكَ مَا أَوْضَحَ لَكَ سُئِلَ عَيْكَ مِنْ رُشْدِكَ.»

۵. «العقل منزّه عن المنكر أمر بالمعروف.»

۶. «ان لكل شيء دليل العقل التفكر.»

۷. «غير منتفع بالحكمة عقل مغلول بالغضب و الشهوه.»

فطری (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۵۲ و ۳۷۱)، هماهنگی با دین و وحی الهی، هماهنگی با عقل جمعی بشری، بدست آورد.

قرآن، دامنه تعقل آدمی را همه جهان هستی که هر کدام نشانه‌هایی از خداوند و صفات کمالی اوست، دانسته^۱ (آل‌عمران: ۱۹۰) تا حقایق عالم برای‌شان مکشوف شود و در سایه پیشرفت علمی - معنوی و ایمان و عمل صالح به سعادت جاویدان برسند.

توانمندی عقل خدادادی، با علم و تجربه افزایش می‌یابد^۲ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۹۱). آموزه‌های دینی و وحیانی، این توانمندی‌ها را بارور می‌سازند و دامنه ادراکات عقل بشری را بیشتر می‌کنند^۳ (رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱) و حجیت عقل را بالا می‌برند^۴ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۱۶) ارتقای توانمندی عقلانی با تفکر صائب^۵، استقبال از نظرات گوناگون، نگاه به عواقب امور^۶ (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۱۷۸)، پیروی از حق^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵: ۱۲۷) و توجه به ابعاد فطری آدمی که بی‌توجهی به آن‌ها باعث می‌شود کار آبی و کار آمدی عقل آسیب ببیند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۲: ۲۵۴)، به‌ویژه توجه به بعد عاطفی عقل که بیشترین توانمندی‌های عقل در این جنبه‌ها نمود می‌یابد. از این جهت است که مودت نصف عقل دانسته شده^۸ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق: ۲۲۱) و در حدیث عقل و جهل، از ۷۵ صفت عقل، ۶۷ صفت عاطفی مطرح شده است^۹ (کلینی، ۱۳۴۴، ج ۱: ۲۱). در آموزه‌های مهدوی به این ویژگی احیاء فرهنگ و تمدن نوین اسلامی توجه شده؛ به‌طوری که عقل‌ها در زمان ظهور حضرت حجت (عج) به کامل‌ترین سطح خواهند رسید^{۱۰} (همان: ۲۵)؛ عقل‌هایی که به دور از افراط و تفریط به عقل،

۱. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ الْخِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ».

۲. «العقل غريزه تزيد بالعلم والتجارب».

۳. «ليثيروا لهم دفائن العقول».

۴. «إِنَّ لِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حُجَّتَيْنِ حُجَّةَ ظَاهِرَةٍ وَ حُجَّةَ بَاطِنَةٍ فَأَمَّا الظَّاهِرَةُ فَالرُّسُلُ وَ الْأَنْبِيَاءُ وَ الْأَيْمَةُ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ أَمَّا الْبَاطِنَةُ فَالْعُقُولُ».

۵. در قرآن بیش از سیصد آیه وجود دارد که انسان را به تفکر و تعقل و دعوت می‌کند (طباطبائی، ۱۳۶۴، ج ۵: ۲۵۵).

۶. «إِنَّ اللَّيْبَ مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجْهَ الْآرَاءِ بِفِكْرِ صَائِبٍ وَ نَظَرَ فِي الْعَوَاقِبِ».

۷. «لَا يَكْمُلُ الْعَقْلُ إِلَّا بِاتِّبَاعِ الْحَقِّ».

۸. «التوود نصف العقل».

۹. «مِمَّا أَعْطَى الْعَقْلَ مِنَ الْحَمْسَةِ وَالسَّبْعِينَ الْجُنْدِ... التّعطف».

۱۰. «أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَضَعَ اللَّهُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ كَمَلَتْ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ».

پویایی دایمی اسلام را موجب می‌شوند و به تمدن‌سازی جهانی می‌پردازند (وحیدی‌منش، ۱۳۸۶).

در واقع، تمدن اسلامی بدون عمومی‌شدن عقلانیت اسلامی به وجود نمی‌آید، لذا امروز وظیفه دانشمندان و روشنفکران مسلمان است که از یک سو در عقلانیت اسلامی به کاوش بپردازند و با اتکا به معارف فقهی و اصولی و همچنین با استفاده از دستاوردهای علمای اسلام در فلسفه، عرفان و حدیث و معارفی که امروز بشر بدان‌ها نائل شده، ماهیت عقلانی اسلام را کشف و اجزا و ارکان آن را دریابند و از سوی دیگر، این معرفت را در حد مبانی و اصول - که در عمل قابل کاربرد باشد - برای عموم تشریح کنند (لاریجانی، ۱۳۷۰: ۲۰). پرورش صحیح عقلانیت به صورتی که هماهنگ با گرایش‌های فطری، همه توانمندی‌های شناختی، عاطفی و عملکردی افراد جامعه را افزایش دهد؛ ساخت تمدن نوین اسلامی را موجب می‌شود؛ زیرا از پایه‌های تمدن نوین اسلامی، رشد عقلی بشر است؛ به گونه‌ای که همه ابعاد زندگی انسانی به دور از افراط و تفریط تحت هدایت‌های عقل مؤید شده به وحی قرار گیرد و روابط انسان در ارتباط با خدا، افراد، جامعه و جهان هستی در عالی‌ترین سطح ارتقا یابد.

۲. پیشرفت علمی

از موارد ایجاد تمدن نوین اسلامی، فراهم‌سازی زمینه تعلیم و تعلم علوم اهل بیت علیهم‌السلام و توسعه همه‌جانبه آن در جامعه اسلامی است. امام رضا علیه‌السلام فرمود: خدا رحمت کند بنده‌ای را که امر ما را زنده کند. راوی می‌گوید: گفتیم: چگونه امر شما را زنده کند؟ فرمود: علوم ما را فرا گیرد و به مردم بیاموزاند. اگر مردم، زیبایی‌های سخنان ما را بدانند، ما را پیروی خواهند کرد^۱ (ابن بابویه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۰۷). در آموزه‌های مهدوی، برای ساخت تمدن بر توسعه و پیشرفت علمی^۲ (همو، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۶۰) انسان‌ها، اعم از زن و مرد تأکید شده است

۱. «عَنْ عَبْدِ السَّلَامِ بْنِ صَالِحِ الْهَرَوِيِّ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرَّضَا علیه‌السلام يَقُولُ رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَا أُمَّرْنَا فَقُلْتُ لَهُ وَكَيْفَ يُحْيِي أُمَّرَكُمْ قَالَ يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَخَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تُبْعُونَا».

۲. رسول گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «یملأ الله عزوجل به الأرض نوراً بعد ظلمتها و عدلاً بعد جورها و علماً بعد جهلها».

و انتظار می‌رود مردم آن‌چنان از دانش و حکمت برخوردار شوند که حتی یک زن بتواند بر اساس کتاب خدای تعالی و روش پیامبر ﷺ درست قضاوت کند^۱ (نعمانی، ۱۳۹۷ق: ۲۳۹). توسعه دانش و تکنولوژی می‌تواند بشر را به مرحله‌ای از اقتدار برساند که بر پایه آن، جامعه جهانی موعود را بنا نهد. رشد علوم و پیشرفت ابزارها و سیستم‌های پیچیده ارتباطی چون ماهواره و اینترنت^۲ (رامین، ۱۳۸۹) به سمت عصر ظهور است و در آن دوران، همه علوم به نهایت خویش می‌رسند. در روایت مشهوری آمده است که علم ۲۷ شعبه یا حرف دارد و تاکنون تنها دو شعبه آن آشکار شده و در عصر ظهور، ۲۵ شعبه یا حرف دیگر آن تجلی خواهد یافت^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۳۶).

در جهان امروز، جامعه اسلامی به دلایل مختلف از کاروان علم دنیا عقب افتاده است. از جمله راهبردهای جبران این عقب‌ماندگی، جنبش تولید علم است که همواره مورد تأکید مقام معظم رهبری است و ایشان توصیه می‌کند: «تولید علم کنید، به سراغ مرزهای دانش بروید، فکر کنید، کار کنید، با کار و تلاش می‌شود از مرزهایی که امروز دانش دارد، عبور کرد. در بعضی رشته‌ها زودتر و در بعضی دیرتر، فناوری هم همین‌طور است؛ علم باید ناظر به فناوری باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از جوانان استان همدان، ۱۳۸۳).

بنابراین، یکی از مهم‌ترین عناصری که بستر مناسبی را برای تمدن نوین اسلامی ایجاد می‌کند، پیشرفت‌های علمی در همه حوزه‌های مورد نیاز جامعه بشری است که در آموزه‌های مهدوی بر آن تأکید شده است. پیشرفت‌هایی که به رشد علمی، اختراع،

۱. «... توتون الحکمه فی زمانه حتی إن المرأه لتقضى فی بیتها بکتاب الله و سنه رسول الله ﷺ».

۲. برای مثال به برخی از این روایات می‌توان اشاره کرد: ۱. «إِنَّ الْمُؤْمِنَ فِي زَمَانِ الْقَائِمِ وَ هُوَ بِالْمَشْرِقِ لِيرِي أَخَاهُ الَّذِي فِي الْمَغْرِبِ؛ مُؤْمِنٌ فِي عَصْرِ ظَهْرٍ فِي حَالِي كَمَا فِي الْمَشْرِقِ اسْتَبْرَادُ خَوْشِ رَأْسِهِ فِي مَغْرِبِ مِيقَاتِهِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲، ۳۹۱)؛ ۲. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لَشَيْعَتِنَا فِي أَسْمَاعِهِمْ وَأَبْصَارِهِمْ حَتَّى [لَا] يَكُونُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ الْقَائِمِ بَرِيدٌ، يَكَلِّمُهُمْ، فَيَسْمَعُونَ وَ يَنْظُرُونَ إِلَيْهِ وَ هُوَ فِي مَكَانِهِ؛ هَمَانَا زَمَانِي كَمَا قَامَ مَا قَامَ كُنْدٌ، خَدَاوَنَدٌ بِهْ غُوشِهَا وَ عِشْمَانِ شَيْعِيَانِ مَا مَدَدَ مِي كُنْدَ بِهْ شَكْلِي كَمَا بِدُونِ بِيَكِ وَ وَاسِطَةِ آيِ إِمَامِ بَا أَنْ هَا سَخْنِ مِي كُوَيْدِ وَ أَنْ هَا سَخْنِ أَوْ رَا مِي شَنُونَدِ وَ أَوْ رَا مِي بِيِنْدِ، فِي حَالِي كَمَا أَوْ فِي جَايِ خُودِ قَرَارِ دَارِدِ» (کلبینی، ۱۳۴۴، ج ۸: ۲۴۱).

۳. «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷺ قَالَ أَلْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عَشْرُونَ حَرْفًا فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أُخْرِجَ الْحَمْسَةُ وَ الْعَشْرِينَ حَرْفًا فَبَيَّنَّهَا فِي النَّاسِ وَ صَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبَيَّنَّهَا سَبْعَةٌ وَ عَشْرِينَ حَرْفًا».

گسترده‌شدن تکنولوژی و صنعت می‌انجامد و اقتدار علمی در مدیریت اقتصادی، سیاسی و حتی نظامی را برای حکومت دینی در پی دارد. این نوع پیشرفت‌ها در جامعه اسلامی به سبک زندگی مطلوب انسانی برای بشریت منتهی می‌شود.

۳. تعالی اخلاقی

از ویژگی‌های تمدن نوین اسلامی که در آموزه‌های مهدوی درباره تمدن زمینه‌ساز، بر آن تأکید شده است، رشد همه‌جانبه اخلاقی جامعه بشری است. در مهم‌ترین و درخشان‌ترین اصلاح و اقدامات زمینه‌ساز تمدنی که صورت می‌گیرد، اخلاق فاسد مردم تغییر بنیادین پیدا می‌کند^۱ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۳). آنان دیگر به نورانیتی از معنویت می‌رسند^۲ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۴۶۸) که رفتارها، گفتارها و پندارهای‌شان اخلاقی است؛ زیرا برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی مهدوی به گسترش ارزش‌های الهی و سجایای انسانی در میان مردم و کمال اخلاق آنان منتهی می‌شود^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۳۶).

نقش بی‌بدیل فضائل اخلاقی در امر تمدن‌سازی بر کسی پوشیده نیست. هر اجتماعی از انسان‌ها که تقیدی به خصلت‌های نیکو نداشته باشد؛ حتی اگر از همه سطوح و ابعاد عالم طبیعت آگاهی داشته و از حد اعلای آن نیز برخوردار باشد؛ حلاوت انسانیت را نخواهد چشید. در حقیقت، لزوم خصلت‌های نیکو برای یک جامعه متمدن، لزوم آب برای هر روئیده نیازمند آب است. بدون پایبندی به اخلاق، آدمیان در خوشی‌های بی‌اساس و زندگی بی‌هدف و بیمارگونه‌ای غوطه‌ور می‌شوند» (جعفری، ۱۳۸۳: ۵۶).

۴. حاکمیت سیاسی صالحان

ویژگی حاکمیت سیاسی در تمدن نوین اسلامی، در آموزه‌های مهدوی نمود بیشتری دارد. حکومت صالحان^۴ (انبیاء: ۱۰۵) و مستضعفان^۵ (قصص: ۵) وعده الهی است که به تعبیر

۱. امام باقر علیه السلام، می‌فرماید: «... ان يصلح الامه بعد فسادها».

۲. «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَاسْتَغْنَى النَّاسُ (العباد)».

۳. أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا وَصَعَّ يَدُهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ... وَ أَكْمَلَ بِهِ أَخْلَاقَهُمْ».

۴. «وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرثُهَا عِبَادِيَ الصَّالِحُونَ».

۵. «وَوَرِّدُ أَنْ نُمَتَّعَ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعَفُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ».

امام صادق علیه السلام، با گسترش اتحاد، همدلی، برادری و ارتباط سالم میان جوامع بشری، یک‌دستی و وحدت کلمه میان مردم به وجود می‌آید و افکار و عقاید ناسازگار با هم الفت و دوستی پیدا می‌کنند و زمینه آن فراهم می‌شود^۱ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۴۷) همان‌طور که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «مردمی از مشرق زمین قیام می‌کنند و زمینه را برای قیام حضرت مهدی (عج) فراهم می‌سازند»^۲ (اریلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۷۷) آنان از روحیه قوی برخوردارند و با قدرت و تحمل سختی‌ها^۳ (ابن طاووس، ۱۴۱۶ق: ۱۱۹) برای حاکمیت دین و ساخت تمدن اسلامی مصمم‌اند و مرعوب تمدن‌های مادی اجانب نمی‌شوند؛ زیرا که در ارتباط با خدا، در دل احساس بی‌نیازی و استقلال نسبت به آن‌ها دارند^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۱: ۸۴). و از این‌رو، در انجام فعالیت‌های یاورانه برای حاکمیت اسلام و تمدن مهدوی، در جنگ‌ها حاضرند جان‌شان، در معرض خطر قرار دهند و انجام وظیفه کنند^۵ (همان، ج ۵۲: ۳۰۸).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان عنوان کرد که نظام حاکم بر تمدن نوین اسلامی، باید نظام دینی باشد و بهترین شیوه در نظام‌های سیاسی مذهبی، نظامی است که در رأس آن، یک دین‌شناس عالم، عادل، متخلق به اخلاق قرآنی، الهی و وارسته از حرص و دلبستگی و زیاده‌خواهی به مادیات دنیا باشد تا مردم به صداقت و ایمان او اعتماد داشته و از وی و نظام سیاسی - مذهبی حاکم، حمایت و پیروی کنند، که این امر در اقتدار نظام اسلامی به‌ویژه در مقابل نظام‌های ظالم، سلطه‌گر و مستکبر جهانی بسیار مؤثر است. بنابراین، بهترین مدل برای نظام سیاسی حاکم در تمدن نوین اسلامی، نظام سیاسی - مذهبی مبتنی بر ولایت فقیه است که همراه با رضایت و اراده مردم جامعه اسلامی است. در چنین نظام سیاسی که صالحان ولایت می‌یابند و والی جز به راستی هدایت نمی‌کند، پیروی و همکاری مردم برای پیشبرد اهداف جامعه اسلامی و استیفای شایسته حقوق همه مردم ضرورت می‌یابد^۶ (محمدی ری شهری، ۱۳۸۰: ۴۳۳).

۱. «و یحسن حال عاتمه العباد و یجمع الله الکلمه و یؤلف بین قلوب مختلفه...».

۲. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «يَخْرُجُ نَاسٌ مِنَ الْمَشْرِقِ فَيُؤْتُونَ لِلْمَهْدِيِّ يَعْني سُلْطَانَهُ».

۳. «إذا رأيتم الرايات السود خرجت من قبل خراسان فأتوها ولو جوا علي الثلج، فإن فيها خليفه الله المهدي».

۴. «... و يجعل الله الغني في قلوب هذه الامه».

۵. «و يقوئنه بأنفسهم في الحروب و يكونه ما يريدونهم».

۶. «من كان من الفقهاء صائنا لنفسه مخالفا لهواه مطيعا لامر مولاه فللعوام ان يقلدوها».

۵. توسعه اقتصادی

در تمدن نوین اسلامی، فعالیت‌های زمینه‌ساز در جنبه رشد اقتصادی جامعه به حدی است که جامعه به بی‌نیازی کامل روی می‌آورد و شکاف‌های اقتصادی، فقر و ناداری کاهش می‌یابد. پیامبر ﷺ می‌فرماید: در امت من، در جامعه مهدوی، مردم به رفاه و نعمت‌هایی دست می‌یابند که در هیچ زمانی دست نیافته باشند. همه، چه نیکوکار و چه بدکار، از آن جمله‌اند. آسمان، باران رحمتش را بر آنان بیارد و زمین چیزی از روئیدنی‌های خود را پنهان ندارد^۱ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۶۷). همچنین در حکومت مهدوی، امکانات برای استخراج آن‌چه در اعماق زمین است، فراهم می‌شود و از داشته‌های زمینی به خوبی بهره‌برداری می‌شود^۲ (رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۳۸)؛ زیرا زمین برکاتش را خارج می‌سازد و هر حقی به صاحبش می‌رسد؛ به طوری که موردی را برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی‌یابد؛ زیرا همه مؤمنان بی‌نیاز خواهند شد^۳ (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۳۸۴) و به تعبیر دیگر، خدا به واسطه صالحانی که حکومت جهانی را در دست دارند، برکات خاصی را بر آنان ارزانی می‌دارد^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۵۲: ۳۰۸) که دیگر کسی نیازمند زکات نیست و وضع معیشتی مردم سامان می‌یابد^۵ (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۶۳).

در جامعه متمدن نوین اسلامی، بر مبنای تأمین زندگی اجتماعی برای همه افراد جامعه و فقرزدایی استوار است و ابزارهایی برای تولید، توزیع و مصرف ارائه می‌شود تا ثروت در دست افراد معدودی تمرکز نیابد و از فاصله‌های طبقاتی در جامعه کاسته شود و سطوح درآمد و ثروت افراد - در عین وجود تفاوت‌ها - به یکدیگر نزدیک گردد. برخی ابزارهایی

۱. پیامبر اسلام ﷺ: «أَنَّهُ قَالَ: «يَكُونُ مِنْ أُمَّتِي الْمُهْدِيُّ ... تَنْتَعِمُ أُمَّتِي فِي زَمَانِهِ نِعِمًا لَمْ يَنْتَعِمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبُرِّ وَالْفَاجِرُ يُؤَسِّلُ اللَّهُ السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ مِدْرَارًا وَلَا تَدْخِرُ الْأَرْضُ شَيْئًا مِنْ نَبَاتِهَا».

۲. امام علی علیه السلام: «... و تخرج له الأرض أقاليد كبدها و تلقي إليه سلماً مقاليدها».

۳. امام صادق علیه السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ، حَكَمَ بِالْعَدْلِ، وَارْتَفَعَ الْجُرُورُ فِي أَيَّامِهِ، وَآمَنَتْ بِهِ السُّبُلُ، وَ أَخْرَجَتْ الْأَرْضُ بَرَكَاتِهَا، وَ رُدَّ كُلُّ حَقٍّ إِلَى أَهْلِهِ... وَ لَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكُمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعًا لِمُضَاعَاةٍ لِمُضَاعَاةٍ وَ لَا لِيَرِّوْهُ لِسْمُولِ الْغَنِيِّ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ».

۴. «يَتَمَسَّحُونَ بِسَوْجِ الْإِمَامِ تَطَلُّبُونَ بِذَلِكَ الْبَرِّ كَمَا يُحْفُونَ بِهِ».

۵. «أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ «الْقَائِمُ مِنَّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ مُؤَيَّدٌ بِالنَّصْرِ تُطَوَّى لَهُ الْأَرْضُ وَ تُظَهَّرُ لَهُ الْكُنُوزُ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظَهِّرُ بِهِ اللَّهُ دِينَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْتَقِي فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا غَمِرَ».

که تعدیل ثروت و فقرزدایی را در جامعه هموار می‌سازد، عبارتند از:

الف) تنبیه به این امر که خداوند مالک مطلق و رازق همه کائنات است و انسان‌ها نباید به مال و ثروت خود مغرور شوند و راه اسراف و تبذیر پیش گیرند؛^۱

ب) مالکیت عمومی دولت اسلامی درباره زمین‌های انفال و ثروت‌های بسیار طبیعی و غیرطبیعی و حذف مالکیت خصوصی در باب آن‌ها؛^۲

ج) وجوب انفاق در شکل خمس و زکات^۳ و تأکید بسیار بر انفاق‌های مستحبی^۴ به منزله راه کاری برای حذف فاصله طبقاتی؛

د) حذف کامل رشوه^۵ و ربا^۶ که از عوامل بسیار مهم ناکارآیی اقتصادی است؛

ه) حل مشکل بیکاری و مسکن با آزادی شغل، مسافرت، تجارت و حذف مالیات و قوانین ظالمانه برای طبقه متوسط مردم (امینی گلستانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۹۰ - ۲۹۱).

۶. برقراری عدالت

در جامعه متمدن اسلامی مهدوی، دادگستری و عدالت، نمود بیشتری نسبت به دیگر ویژگی‌های تمدنی دارد؛ زیرا برقراری عدالت زمینه‌ساز اجرای دیگر احکام الهی است (آمدی، ۱۴۱۰ق: ۳۱) و در میان مردم، در عمل به احکام قرآن و سنت پیامبر ﷺ حیات می‌بخشد (رضی، ۱۴۱۴ق: خطبه ۱۳۸). احادیث بسیاری بر ظلم‌ستیزی و عدالت‌گستری حضرت دلالت دارند، از آن جمله این که رسول گرامی اسلام ﷺ فرمودند: اگر از دنیا به

۱. «نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا» (زخرف: ۳۲).

۲. چون قائم مایم کند، زمین انفال را جمع‌آوری کند، چنان‌که پیامبر جمع‌آوری نمود و از چنگ دیگران درآورد و آن‌ها را بیرون نماید (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۳۹۰).

۳. دو خون است که در اسلام حلال است، ولی هیچ کس در آن دو خون حکم نکند تا اینکه خداوند قائم اهل بیت ﷺ را مبعوث نماید. پس او به حکم خدا در رابطه آن دو حکم کند و بینة نخواهد: زناکننده محصن را سنگسار کند و مانع زکات را گردن زند (همان: ۳۲۵).

۴. در باب این گونه انفاق‌ها در عصر ظهور آمده است: اگر کسی از امام چیزی بخواهد و بگوید: ای مهدی! به من بده، امام ﷺ بر دامن او آن قدر می‌ریزد که توان حمل آن را نخواهد داشت (امینی گلستانی، ۱۳۸۵، ج ۲: ۲۵۱).

۵. این صفت ناپسند (رشوه) در عصر قائم بر اثر مراقبت امام و رشد فرهنگی و شدت ایمان مردم نابود و ریشه کن خواهد شد (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ج ۵۲، ۲۶۹).

۶. ربا در زمان قائم ﷺ به طور کامل از بین می‌رود (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق: ۴۷۴).

جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای متعال آن روز را چندان طولانی می‌کند تا در آن روز، مردی از اهل بیت من مبعوث شود، او هم نام من است و زمین را پس از آن که پر از ظلم و جور شده، پر از قسط و عدل می‌کند^۱ (طوسی، ۱۴۱۱ق: ۱۸۱). عدالت در جامعه مهدوی در سه سطح فردی، اجتماعی و تاریخی قابل بررسی و عدالت اجتماعی نیز در سه بُعد سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جلوه می‌نماید.

عدالت اجتماعی، به معنای «عمل به گونه برابر و هم‌آهنگ» است، اما معیار برابری چیست؟ معیار عدالت، حقوق افراد و اعطا کردن حق به صاحب حق است (مطهری، ۱۳۷۴: ۶۲). به عبارت دیگر، معیار عدالت اجتماعی، قرارداد هر چیزی در جای خود و در نظر گرفتن ظرفیت‌ها، استعدادها و صلاحیت‌ها در گزینش افراد است: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا» (نساء: ۵۸). در جامعه متمدن مهدوی، بنیاد برقراری عدالت، بر معرفت و احساس مسئولیت همه افراد در جامعه بشری است؛ به گونه‌ای که هر کس، خود، به حق دیگری احترام می‌گذارد و مانع تضییع حقوق دیگران از ناحیه خودش و از ناحیه دیگران می‌شود. از این رو، همه پاس‌دار و ضامن اجرای جریان عدالت هستند؛ زیرا که زمینه ظهور و بروز استعدادهای و خلاقیت‌های انسانی و شکوفاشدن جنبه‌های مختلف خلیفه الهی بودن انسان‌ها فراهم می‌شود.

رهبر معظم انقلاب (۱۳۹۱)، با اشاره به موضوع عدالت‌گستری، این امر مهم را یکی از شاخصه‌های پیشرفت در منطق اسلام معرفی نموده و فرموده‌اند: «اگر کشوری در علم و فناوری و جلوه‌های گوناگون تمدن مادی پیشرفت کند، اما عدالت اجتماعی در آن نباشد، این به نظر ما و با منطق اسلام، پیشرفت نیست. امروز در بسیاری از کشورها، علم پیشرفت کرده است، صنعت پیشرفت کرده است، شیوه‌های گوناگون زندگی پیشرفت کرده است، اما فاصله طبقاتی عمیق‌تر و شکاف طبقاتی بیشتر شده است؛ این، پیشرفت نیست؛ این، پیشرفتِ سطحی و ظاهری است». پس جامعه متمدن نوین اسلامی، در اجرای عدالت و تأمین حقوق همه مردم بر اساس شایستگی‌های آنان می‌کوشد. بر این اساس، بهره‌مندی از نظام به پادارنده عدل و قسط در جامعه و پرهیز از ظلم و ستم به افراد جامعه، از معیارها و

۱. پیامبر اسلام ﷺ: «لَوْ كُنْتُمْ تَبْتَغُونَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمَ لَطَوَّلَ اللَّهُ لَطَوَّلَ اللَّهُ تَعَالَىٰ ذَلِكِ الْيَوْمِ حَتَّىٰ يَبْتَغَتْ رِجَالًا مِنِّي يُوَاطِئُ اسْمُهُ اشْمِي يَنْبَلُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا نَبَلْتُ ظِلْمًا».

بایسته‌های جامعه و تمدن نوین اسلامی و عوامل رشد و شکوفایی جامعه به‌شمار می‌رود و نادیده‌انگاشتن آن، مخالفت با نظام طبیعی هستی است.

۷. فراهم‌سازی زمینه‌های امنیت

زمینه‌سازی برای احساس امنیت مردم، از ویژگی‌های جامعه متمدن نوین اسلامی و مهدوی است؛ زیرا لازمه یک اجتماع صالح و رو به پیشرفت، تحقق امنیت در همه بخش‌ها و رفع تهدیدها در همه حوزه‌هاست (صمدی، ۱۳۸۶: ۷۸). قرآن کریم چنین تصویری را برای جامعه صالح و سالم به مؤمنان بشارت داده است^۱ (نور: ۵۵) امام صادق علیه السلام در اهمیت امنیت در جامعه و در پاسخ عمار ساباطی که پرسیده بود: فدایت گردم! برای چه در این زمان، ما آرزو کنیم که از یاران امام قائم علیه السلام در دوران ظهور باشیم، حال آن‌که کارهای ما در این روزگار که در سایه امامت شما به سر می‌بریم و از شما پیروی می‌کنیم، افضل از اعمال یاران دولت حق است؟ امام صادق علیه السلام با تعجب از سخن عمار ساباطی، اظهارات وی را این‌گونه پاسخ می‌دهد؛ (کنایه از این که چرا چنین فکر می‌کنی و این‌گونه آرزو داری): آیا دوست نداری که خدای بزرگ حق و عدالت را در آبادی‌ها آشکار سازد و حال عموم مردم را بهبودی بخشد و وحدت کلمه پدید آورد و افکار ناسازگار را سازگار کند و در زمین معصیت نشود و حدود الهی میان مردم اجرا شود و خداوند حق را به اهلس باز گرداند و ایشان آن را آشکار کنند تا همه در آرامش به سر برند و هیچ چیزی از حق، به علت ترس از کسی مخفی نماند؟^۲ (ابن بابویه، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۶۴۵). همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این حدیث، مقوله امنیت، با اهمیت‌ترین مؤلفه ساختار اجتماعی برشمرده شده

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يُعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ».

۲. «عَنْ عَمَّارِ السَّابِاطِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام ... قَالَ فَقُلْتُ لَهُ جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا تَتَمَنَّى إِذَا أَنْ تَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ الْإِمَامِ الْقَائِمِ فِي ظُهُورِ الْحَقِّ وَ نَحْنُ الْيَوْمَ فِي إِمَامَتِكَ وَ طَاعَتِكَ أَفْضَلُ أَعْمَالًا مِنْ أَعْمَالِ أَصْحَابِ دَوْلَةِ الْحَقِّ فَقَالَ سُبْحَانَ اللَّهِ أَمَا تُجِبُونَ أَنْ يُظَهَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ الْحَقُّ وَ الْعَدْلُ فِي الْبِلَادِ وَ يُحْسِنَ حَالَ عَامَةِ الْعِبَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ بَيْنَ قُلُوبٍ مُّخْتَلِفَةٍ وَ لَا يُعْصِي اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ فِي أَرْضِيهِ وَ يُقَامَ حُدُودُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ يَزِدَّ اللَّهُ الْحَقَّ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَيُظَهِّرُوهُ حَتَّىٰ لَا يُسْتَحْفَىٰ بِشَيْءٍ مِنَ الْحَقِّ مَخَافَةَ أَحَدٍ مِنَ الْخَلْقِ».

است. از این روست که نه تنها، امنیت راه‌ها^۱ (اربلی، ۱۳۸۱، ج ۲: ۴۶۵) بلکه امنیت تمام کره زمین^۲ (طبرسی، ۱۳۹۰: ۴۵۳)، از ویژگی‌های مهم حکومت مهدوی است. امنیت، از بهترین مظاهر فرهنگ و تمدن نوین اسلامی است؛ همان‌طور که در نخستین تقاضای ابراهیم خلیل علیه السلام هنگام بنای کعبه (سوره ابراهیم: ۳۵)، انگیزه ساخت سد معروف ذوالقرنین (سوره کهف: ۹۲ - ۹۸)، دلیل هجرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از مکه به یثرب، امنیت مطرح شده است. تمدن، بدون امنیت اجتماعی پایدار نمی‌ماند و از این رو است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، اقدامات متعددی برای تأمین امنیت انجام داد: انعقاد قرارداد صلح با همسایگان، امضای پیمان زندگی مسالمت‌آمیز با یهودیان مدینه، عقد برادری میان اوس و خزرج، پیمان همبستگی ملی مسلمانان، تلاش برای پیوند برادری میان مسلمانان، اهتمام به وحدت و هشدار نسبت به پیامدهای تفرقه از جمله آن‌هاست (سبحانی، ۱۳۶۳، ج ۲: ۱۹۵). در اثر اقدامات شایسته رسول اکرم صلی الله علیه و آله، قبایل انحصارطلب به جامعه‌ای ایثارگر؛ مردمان بی‌فرهنگ به امت با فرهنگ؛ دستانی متخاصم به ید واحد؛ و آسیب‌ناپذیر تبدیل گشت. لازم به توجه است که اساس همه ویژگی‌های ذکر شده در مدنیت نوین اسلامی، خدامحوری، معنویت، حق‌مداری و کرامت انسانی است و در حقیقت، این مؤلفه‌ها حرف اول را می‌زنند و تمام آن ویژگی‌ها در سایه این مؤلفه‌ها شکل می‌گیرند.

نتیجه‌گیری

تمدن نوین اسلامی، نه احیای تمدن مسلمانان است و نه بازسازی آن تمدن، بلکه منظور ایجاد تمدن‌سازی نوین بر اساس آموزه‌های مهدوی اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله است. تمدن نوین اسلامی بر خدامحوری، حق‌گرایی و کرامت انسانی استوار است و پیشرفت‌های همه‌جانبه عقلانی، علمی، صنعتی، سلامتی، معیشتی و رفاهی، بر اساس معنویت و ارزش‌های اخلاقی در جامعه صورت می‌گیرد و در حقیقت، همه نیازهای مادی و معنوی آدمی برآورده می‌شود و زمینه زندگی سعادت‌مندانه در دنیا و آخرت تأمین می‌گردد. تمام این پیشرفت‌ها با تمام گستردگی آن، در متن زندگی جامعه نمود پیدا می‌کند و

۱. «و أمنت به السبل».

۲. «إني أمان لأهل الأرض كما أن النجوم أمان لأهل السماء».

سبک زندگی مطلوب در عرصه‌های خانوادگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی تبلور می‌یابد و روابط چهارگانه انسان با خدا، خود، جامعه و طبیعت هماهنگ با هم، به بهترین وجه شکل می‌گیرد و در این صورت، همزیستی مسالمت‌آمیز اقوام، نژادها و کشورها با رویکرد جهان وطنی حاکمیت پیدا می‌کند.

از نتایجی که در بررسی از این آموزه‌ها به عمل آورده شد، این است که، انسان‌ها برای فراهم‌سازی زمینه ظهور نجات‌بخش بشر و ایجاد تمدن نوین اسلامی، وظیفه دارند تا با یکدیگر همکاری کنند. بر اساس رهنمودهای مهدوی، اختلافات و دشمنی‌ها و فتنه‌های برپاشده، رفع می‌شود و الفت و مهربانی در جامعه اسلامی مستقر می‌گردد. فرهنگ اسلامی به سبب نگاه صحیح و کامل به دین - که برگرفته از آموزه‌های مهدوی است - بر همه ادیان چیره می‌گردد و تمدن پیشرفته اسلامی را بنا می‌نهد.

در آموزه‌های مهدوی، فراهم‌سازی رشد عقلی مردم، از ویژگی‌های جامعه متمدن نوین اسلامی است، به طوری که عقل‌ها به کامل‌ترین سطح خواهند رسید.

از موارد ایجاد فرهنگ و تمدن نوین اسلامی، توسعه تعلیم و تعلم و پیشرفت علمی همه‌جانبه جامعه اسلامی است. در آموزه‌های اهل بیت علیهم‌السلام برای احیای فرهنگ و تمدن نوین اسلامی بر توسعه و پیشرفت علمی انسان‌ها، اعم از زن و مرد تأکید شده است. همچنین، در آموزه‌های مهدوی برای ایجاد فرهنگ و زمینه‌سازی تمدن نوین اسلامی، رشد همه‌جانبه اخلاقی جامعه بشری مورد توجه بوده و بر برنامه‌ریزی‌های آموزشی و تربیتی مهدوی که به گسترش ارزش‌های الهی و سجایای انسانی در میان مردم و کمال اخلاق آنان منتهی شود، توجه شده است. سازماندهی حکومت صالحان و مستضعفان بر تمام جوامع بشری و نفی استبداد و استعمار و استثمار، به‌عنوان یکی از عناصر مهم پیشبرد تمدن نوین اسلامی است که بر اساس آموزه‌های مهدوی با تربیت مردمانی میسر می‌شود که به صحنه آیند و حاضر شوند در راه امام، ارزش‌ها و انسان‌ها با جان و دل مبارزه کنند.

فعالیت‌های زمینه‌ساز در رشد اقتصادی جامعه نیز، در تمدن نوین اسلامی، باید به حدی باشد که جامعه به بی‌نیازی کامل برسد و فقر و بیچارگی و نداری از بین برود. دادگستری و عدالت اقتصادی، نیز، صفت ویژه‌ای از جامعه متمدن نوین اسلامی است که از آن، به جامعه مهدوی، نیز تعبیر می‌شود. در جامعه مهدوی برقراری عدالت به اندازه‌ای اهمیت دارد که در اثر اجرای آن، احکام الهی زنده گردیده و جامعه به رشد و شکوفایی خود نائل می‌شود.

کتابنامه

- * قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند (۱۴۱۵ق)، تهران: دارالقرآن الکریم.
۱. آقاجانی، علی (۱۳۸۱)، شکوه ایمان: بازشناسی تمدن مسلمین، قم: مرکز پژوهش‌های اسلامی صداوسیما.
 ۲. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غررالحکم، قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۳. ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۷۸)، عیون اخبار الرضا، تهران: جهان.
 ۴. _____ (۱۳۹۵ق)، کمال‌الدین و تمام‌النعمة، تهران: اسلامیه.
 ۵. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق)، تحف‌العقول، قم: جامعه مدرسین.
 ۶. ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۱۶ق)، التشریف بالمنن، قم: مؤسسه صاحب‌الامر.
 ۷. اربلی، علی بن عیسی (۱۳۸۱)، کشف‌الغمه، تبریز: بنی‌هاشمی.
 ۸. امینی گلستانی، محمد (۱۳۸۵)، سیمای جهان در عصر امام زمان (عج)، قم: مسجد مقدس جمکران.
 ۹. انوری، حسن (۱۳۸۳)، فرهنگ روز سخن، تهران: سخن.
 ۱۰. باتومور، تام و ویلیام آوتوبت (بی‌تا)، فرهنگ علوم اجتماعی، تهران: نی.
 ۱۱. برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱)، المحاسن، قم: دارالکتب الاسلامیه.
 ۱۲. بصرای، فرشته (۱۳۹۴)، مقدمه‌ای بر فرهنگ اسلامی: کلیات، دانش‌ها، عقاید و باورها، ج ۱، کرج: نامه مکتب الزهراء علیها‌السلام.
 ۱۳. بیرو، آلن (۱۳۸۰)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
 ۱۴. پورسیدآقایی، مسعود (۱۳۸۶)، «مهدویت و رویکردها»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۴.
 ۱۵. تاج‌بخش، احمد (۱۳۸۱)، تاریخ تمدن و فرهنگ ایران از اسلام تا صفویه، شیراز: نوید شیراز.
 ۱۶. تولد، و. و. بار (۱۳۳۷)، بررسی مختصر فرهنگ و تمدن اسلامی، ترجمه: علی‌اکبر دیانت، تبریز: ابن‌سینا.
 ۱۷. ثابت، عبدالحمید و همکاران (۱۳۹۳)، ماهیت و چیستی پیشرفت در اسلام، قم: جامعه

المصطفی.

۱۸. جعفری، محمد تقی (۱۳۷۳)، فرهنگ پیرو، فرهنگ پیشرو، تهران: علمی و فرهنگی.
۱۹. _____ (۱۳۸۳)، حرکت و تحول از دیدگاه قرآن، تهران: مرکز نشر آثار علامه جعفری.
۲۰. جمعی از مؤلفان (۱۳۷۳)، مجموعه مقالات اولین کنفرانس بین‌المللی فرهنگ و تمدن اسلامی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۱. حجازی، فخرالدین (۱۳۸۳)، نقش پیامبران در تمدن انسان، تهران: بعثت.
۲۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
۲۳. خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۳)، بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از جوانان استان همدان.
۲۴. _____ (۱۳۹۱)، بیانات معظم‌له در محفل انس با قرآن.
۲۵. _____، بیانات معظم‌له در دیدار جمعی از جوانان استان خراسان شمالی.
۲۶. دورانت، ویل (۱۳۶۷)، تاریخ تمدن: مشرق زمین، گاهواره تمدن، ترجمه: احمد آرام و دیگران، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۷. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، لغت‌نامه، تهران: دانشگاه تهران.
۲۸. رامین، فرح (۱۳۸۹)، «ساختار معرفت در فرهنگ اتوپیای مور و آرمان‌شهر مهدوی»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۱۳.
۲۹. رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه، ترجمه: صبحی صالح، قم: هجرت.
۳۰. زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۲)، کارنامه اسلام، تهران: امیرکبیر.
۳۱. سبحانی، جعفر (۱۳۶۳)، فروغ ابديت، ج ۲، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
۳۲. شیخی، علیرضا (۱۳۹۳)، فرهنگ و سرنوشت تمدن‌ها: جستاری در نظریه‌های جهانی شدن؛ برخورد و گفت‌وگوی تمدن‌ها با تاکید بر فرهنگ، تهران: قلم.
۳۳. صافی گلپایگانی، لطف‌الله (۱۴۱۹ق)، منتخب‌الأثر، قم: حضرت معصومه علیها‌السلام.
۳۴. صدر، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، الفتاوی الواظحه، بیروت: دارالمعارف للمطبوعات.
۳۵. _____ (۱۴۲۴ق)، الاسلام یقود الحياه، بی‌جا: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیه للامام الشهيد الصدر.
۳۶. _____ (۱۳۸۱)، سنت‌های تاریخ در قرآن، ترجمه: جلال موسوی، تهران: روزبه.

۳۷. صمدی، قنبرعلی (۱۳۸۶)، «امنیت مهدوی الگوی جامعه امن»، فصلنامه مشرق موعود، ش ۶.
۳۸. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۴)، تفسیر المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: محمدباقر موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی علیه السلام.
۳۹. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰)، اعلام الوری بأعلام الهدی، قم: آل‌البیت علیهم السلام.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، الغیبه، قم: دارالمعارف الإسلامیه.
۴۱. عیوضی، محمدحجیم (۱۳۸۶)، «فرهنگ اسلامی؛ مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول»، ماهنامه اندیشه و تاریخ سیاسی ایران معاصر، ش ۵۸.
۴۲. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۷)، تفسیر قمی، قم: دارالکتاب.
۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۴۴)، الکافی، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۴۴. لاریجانی، محمدجواد (۱۳۷۰)، «تمدن نوین بر اساس عقلانیت اسلامی»، نشریه مجلس و پژوهش، ش ۱۷.
۴۵. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، بحارالانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۶. محمدی، ذکراالله (۱۳۷۳)، نقش فرهنگ و تمدن در بیداری غرب، قزوین: دانشگاه بین‌المللی امام خمینی علیه السلام.
۴۷. محمدی ری‌شهری، محمد (۱۳۸۰)، مختصر میزان‌الحکمه، قم: دارالحدیث.
۴۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، مجموعه آثار؛ عدل الهی، تهران: صدرا.
۴۹. _____ (۱۳۸۹)، فلسفه تاریخ، تهران: صدرا.
۵۰. شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الارشاد، قم: کنگره.
۵۱. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷)، الغیبه، ترجمه: علی‌اکبر غفاری، تهران: مکتبه الصدوق.
۵۲. وحیدی‌منش، حمزه‌علی (۱۳۸۶)، «عناصر تمدن‌ساز دین اسلام»، ماهنامه معرفت، ش ۱۲۳.
۵۳. هاتینگتون، ساموئل (۱۳۷۴)، نظریه برخورد تمدن‌ها، ترجمه: مجتبی امیری، تهران: توسعه.